

تبیین ژئوپلیتیک بستر و بنیان های توریسم در سیستان و بلوچستان

حسین خالدي^۱

مراد دلالت^۲

حمید پناهی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۳

چکیده

شهرهای جنوب خاوری ایران به لحاظ بنیادهای فرهنگی اختلافهای زیادی با مرکز کشور دارند و از جنبه اقتصادی نیز یکی از کم برخوردارترین مناطق کشور را شکل داده اند. در حالی که زاهدان میان ۳۰ مرکز استان، بیشترین فاصله را با مرکز سیاسی (۱۶۰۵ کیلومتر) کشور دارد، چابهار و کنارک نیز دورترین شهرستانهای کشور به تهران هستند؛ این در حالی است که متوسط فاصله سکونتگاهها در استان سیستان و بلوچستان ۶۱ کیلومتر است که بیش از سه برابر متوسط ملی است. موقعیت جغرافیایی و انزوای آن نه تنها ارتباطات شهرهای جنوب خاوری را با دیگر مناطق کشور کاهش داده بلکه باعث تسریع ارتباطات برون مرزی ساکنان آن شده است که این مسئله می تواند مورد سوء استفاده قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای قرار گیرد و زمینه ساز بروز حوادث تروریستی در منطقه باشد. علاوه بر این بروز حوادث تروریستی در شهرهای جنوب خاوری ایران می تواند دارای بسترها و بنیان های فرهنگی؛ اقتصادی و طبیعی نیز باشد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بر پایه مطالعه منابع کتابخانه ای به منظور بررسی و تبیین بسترهای توریسم شهری در جنوب خاوری جمهوری اسلامی ایران صورت پذیرفته است. بر اساس یافته های پژوهش؛ دخالت قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای (آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی) و منافع آنها با دست آویز قرار دادن بنیادهای فرهنگی (مذهب، زبان و بافت اجتماعی)، بنیادهای طبیعی (موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی و انزوای جغرافیایی) و بنیادهای اقتصادی (توسعه نامتوازن و ضعف بنیادهای زیستی) منطقه بلوچ نشین عامل اصلی بروز اعمال تروریستی در شهرهای جنوب خاوری ایران است.

واژه های کلیدی: ایران، قوم بلوچ، جنوب خاوری ایران، توریسم، توریسم شهری

hossein.khaleedi85@gmail.com

^۱ - دانشجوی دوره دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

moraddelalat@yahoo.com

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران

^۳ - دانشجوی دکتری امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

مقدمه

از آنجایی که منطقه جنوب شرق ایران از لحاظ ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک برهم منطبق هستند و در حال حاضر ایران از این ناحیه با بحران‌هایی روبرو شده است. چالش‌های ژئوپلیتیکی پیش روی این کشور، مورد بررسی قرار می‌گیرد. استان سیستان و بلوچستان متشکل از قوم بلوچ که در سه متغیر زبان، قومیت و مذهب با اکثریت بخش مرکزی هیچ گونه تجانسی ندارد و از زمان گسترش استعمار انگلیس و با تصرف هند برای حفاظت از آن بخش‌هایی از ایران را جدا کرد؛ که جدایی بلوچستان بخشی از سیاست‌های استعماری انگلیس بود و در نهایت بلوچستان بدون توجه به جغرافیای آن مرزهای سیاسی از نوع تحمیلی رسم نمودند و هم‌زمان با استقلال‌خواهی شبه قاره هند، مسلمانان مبادا از اینکه هندوها قدرت را در دست بگیرند ادعای جدایی در قالب یک کشور مسلمان به نام پاکستان خواستار شدند. ولی پس از تشکیل، پاکستان شرقی خود را قربانی تبعیض‌های پاکستان غربی می‌دید با جدایی از پاکستان غربی بانام کشور بنگلادش بر نقشه سیاسی جهان ظاهر شد و پاکستان غربی با عنوان پاکستان و با نظام سیاسی فدرال شکل گرفت و تا جایی که منطقه بلوچستان پاکستان در نظام فدرال کشور مزبور به صورت یک ایالت درآمده است، در حالی که بلوچ‌های ایران در قالب یک نظام سیاسی متمرکز قرار گرفته‌اند و امکان شکل‌گیری یک ایالت برای این استان وجود ندارد که در اینجا که تروریسم که در این منطقه نمود بیشتری دارد که به بررسی تاریخچه در مورد تاریخچه واژه تروریسم آنگونه که فرهنگ انگلیسی آکسفورد بیان می‌کند، این واژه برای اولین بار در سال ۱۷۹۵ میلادی برای توصیف حکومت ترس و وحشت فرانسه در فاصله انقلاب سالهای ۱۷۸۹-۱۷۹۴ میلادی به کار رفته است. بر اساس این فرهنگ، واژه تروریسم در حدود سال ۱۸۶۶ به وسیله ویلیام فیتز پاتریک^۱ به معنی کسی که برای اشاره نظراتش از یک نظام وحشت و ارباب استفاده می‌کند، استفاده شده است (Pearlestein, 1991:2). در اصطلاح، تروریسم عبارت است از اشاعه و گسترش فلسفه سیاسی مخالف در یک دموکراسی و نوعی خاص از درگیری ایدئولوژیک بر سر تصاحب اقتدار و حاکمیت (رایش، ۱۳۸۱: ۱۲۳). در این میان علی‌رغم تلاش‌های بسیار جامعه بین‌المللی به دلایل ایدئولوژیک یا سیاسی تاکنون توافقی در مورد تعریف تروریسم حاصل نشده است و این موضوع همواره به عنوان یکی از عمده‌ترین مشکلات موجود در راه مبارزه با تروریسم مطرح بوده است (Muller, 2003: 211-219). چراکه

¹ William Fitz Patrick

اقدامات خشونت‌آمیز یک گروه که به عنوان تروریست محسوب می‌شوند، ممکن است از سوی گروه یا دولت دیگر به مثابه جنگ وطن‌پرستانه تلقی شود (برادن و شلی، ۱۳۸۳: ۲۲۳). در مجموع هر تعریفی که از تروریسم ارائه شود، این نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت که ارکان اصلی تعریف تروریسم در یک طرف، استراتژی مبتنی بر خشونت و در سوی دیگر، امنیت و دفاع مشروع است (افضلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۸). جنوب خاوری ایران به لحاظ قومی نشیمن‌گاه قوم ایرانی تبار بلوچ است. تعیین حدود و موقعیت جغرافیایی اقوام ایرانی بلوچ، تحت تأثیر نیروها و آموزه‌های ژئوپلیتیک، متفاوت نشان داده شده است؛ اما ناحیه اصلی سکونت و استقرار اقوام ایرانی بلوچ، بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های ژئوپلیتیکی متفاوت و متضاد حامیان و مخالفان جنبش‌های بلوچ، شامل منطقه‌ای است که میان سه کشور همسایه ایران، پاکستان و افغانستان قرار دارد. این منطقه شامل ایالت بلوچستان پاکستان، گوشه جنوب باختری افغانستان و استان سیستان و بلوچستان ایران است. ولی علاوه بر این مناطق اصلی بلوچ‌نشین، این قوم ایرانی در هند، ترکمنستان، عمان و امارات متحده عربی نیز شهروند به حساب می‌آیند. در عین حال بلوچ‌ها در شهرستان‌های نهبندان، بیرجند، سرخس و خواف جمعیت قابل توجهی را تشکیل داده و در شهرستان جاسک اکثر قریب به اتفاق جمعیت را تشکیل می‌دهند. خاور شهرستان کهنوج نیز بلوچ‌نشین است (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۱-۸۲). یکی از بسترهای اصلی و پر تلفات وقوع حوادث تروریستی شهرها می‌باشند. شهرهای منطقه بلوچ‌نشین کشور در سالهای اخیر با ناامنی‌ها و عملیات‌های تروریستی چندی روبرو بوده است. در صورت کالبدشکافی این اعمال تروریستی مشاهده می‌شود که عوامل و بسترهای متعددی می‌تواند در رخ دادن آنها تأثیر داشته باشند. در این راستا در این پژوهش سعی می‌کنیم به دنبال پاسخگویی به سؤالاتی از قبیل موارد ذیل باشیم: علل بروز اعمال تروریستی در منطقه جنوب خاوری به‌ویژه در فضاهاى شهری این منطقه چیست؟ بنیادهای فرهنگی - اقتصادی و موقعیت جغرافیایی چه تأثیری بر بروز پدیده شوم تروریسم در منطقه دارد؟ قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان) چه نقشی در بروز پدیده تروریسم در مناطق بلوچ‌نشین دارند؟ عوامل مؤثر در ایجاد بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک جنوب شرق ایران کدام‌اند؟

روش تحقیق

این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است و اطلاعات و داده‌های موردنیاز آن از طریق فیش برداری از منابع مکتوب از جمله کتب و مقالات مرتبط و سایتهای معتبر اینترنتی گردآوری شده است. در این پژوهش در صدد ارزیابی فرضیه ذیل هستیم: «به نظر می‌رسد دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی) و منافع آن‌ها با دست-آویز قرار دادن بنیادهای فرهنگی (مذهب)، بنیادهای طبیعی و بنیادهای اقتصادی منطقه بلوچ‌نشین عامل اصلی بروز اعمال تروریستی در شهرهای جنوب خاوری ایران است.»

ضرورت انجام تحقیق

همگرایی در قلمروهای مؤثر ملی هدف پایه‌ای هر حکومت-ملت می‌باشد. تنوع سرزمینی ایران، توسعه نیافتگی برخی مناطق و گونه‌گونی تهدیدهای بیرونی و درونی زمینه‌های پایه‌ای در راستای شناخت ویژگی‌ها ژئوپلیتیکی منطقه‌ای فراهم می‌آورد که خود زمینه‌ساز تدوین استراتژی کلان ملی می‌باشد.

ایران کشوری چند قومی است که در آن گروه اکثریت قومی را فارس‌ها تشکیل می‌دهند. فارس‌ها عمدتاً در بخش مرکزی کشور استقرار یافته و سایر گروه‌های قومی در نوار مرزی کشور مستقر می‌باشند. گروه‌های قومی مستقر در نوار مرزی دارای دنباله قومی در آن سوی مرزهای کشور می‌باشند که شرایط ویژه ژئوپلیتیکی را در تعاملات قومی بین حکومت مرکزی و همسایگان شکل‌بندی نموده است و وجود فضاها نامساعد جغرافیایی به همراه این شرایط موجب گردیده است تا بخشی از مسائل ژئوپلیتیکی و چالش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران ناشی از این شرایط قومی باشد.

مبانی نظری

- جنبش‌های قومی دسته جمعی بالقوه

عوامل سهیم در مرحله بالقوه جنبش‌های دسته جمعی شامل عناصر عینی مانند نابرابری بین اقوام از لحاظ اقتصادی-اجتماعی و مشارکت سیاسی و متغیرهای ذهنی مانند امیال جمعی قومی برای احیاء هویت گروهی، نمادهای فرهنگی، تمایزهای منزلتی و ایدئولوژیکی بین اقوام می‌گردند. این عوامل، خواسته‌های غیرقابل مذاکره و قابل مذاکره و این خواسته‌ها مشروعیت منافع رقیب را می-

پذیرند و نیاز به فرمول‌های بده-بستان دوجانبه با حکومت را شدت می‌بخشند که خود، با افزایش ناراضیاتی قومی دسته جمعی شرایطی را فراهم می‌کنند که منجر به شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی قومی می‌شود (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۷۸). تنوع ملی می‌تواند منبع قدرت و غرور ملی و با منبع شکاف و منازعه، بسته به وضعیت اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اقلیت‌ها در ساختار یک کشور باشد.

- ناسیونالیسم قومی

ناسیونالیسم قومی، گونه‌ای از معماری سیاسی-فرهنگی براساس قومیت بوده که باهدف ایجاد دولتی متحد و یکپارچه نضج و قوام می‌یابد. این گونه ناسیونالیسم به لحاظ مکانی، منشا مشترک گروه قومی خاصی را تبیین می‌نماید، اغلب آن‌ها را به سرزمین خاص مرتبط می‌سازد. دومین عملکرد ناسیونالیسم قومی، ایجاد احساس هویت برای گروه‌های قومی است. این احساس هویت، مبارزه نخبگان قومی را به دست‌گیری، حفظ و گسترش قدرت سیاسی تشریح می‌نماید (مقصودی، ۱۳۸۰: ۵۲). در این رابطه، قوم بلوچ ایران با بلوچ‌های پاکستان در سه متغیر مذهب، زبان و قومیت با یکدیگر تجانس دارند. ترکیب این سه متغیر همسو بر همگرایی دو بخش بلوچ نشین ایران و پاکستان تأثیر گذاشته و آرمان سیاسی بلوچستان بزرگ را در قالب تلاش برخی نخبگان بلوچ برای کسب هویت مستقل سیاسی بلوچستان آزاد پدید آورده است. جنبش سیاسی ناسیونالیسم بلوچ در پرتو رقابتهای دوران جنگ سرد شکل گرفت و مدتی دچار فراز و نشیب بود. این حرکت پس از پایان جنگ سرد یا تظاهرات درون منطقه‌ای، به‌ویژه در پاکستان همراه بود (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۵). روزنامه‌ها، مطبوعات، جریان‌ات فرهنگی و نخبگان سیاسی-اجتماعی بلوچستان نیز در این امر مشارکت داشتند.

- بنیادگرایی

بنیادگرایی اسلامی نوعی شیوه تفکر وایدئولوژی سیاسی است که برداشتی حداکثر گرا از این دارد و آن را قادر به حل همه معضلات و گرفتاری‌های بشر می‌داند. بنیادگراها بر این باورند که اسلامی که هم‌اکنون در جوامع اسلامی رایج است، اسلام حقیقی نیست و با اسلام راستین زمان پیامبر فرسنگ‌ها فاصله دارد. بنیادگراهای اسلامی، عمل‌گرا و پیکارجو هستند. استان سیستان و بلوچستان متناسب با زمینه‌های زیر آسان‌تر در جریان تعالیم بنیادگرایی مذهبی قرار می‌گیرد:

(الف) وجود اکثریت اهل سنت در شرق کشور به‌ویژه بلوچستان؛

۱۵۲ فصلنامه امنیت ملی، سال ششم، شماره بیست و دوم، زمستان ۱۳۹۵ —————*

ب) آزادی عمل و هابیون در پاکستان و کشیده شدن نواحی بلوچ‌نشین ایران به خارج از کشور زمینه فعالیت و تبلیغات و هابیون را تسهیل می‌کند و

ج) فقر اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و ناهمگونی مذهبی مرکز و پیرامون در ایران. تأثیر تبلیغات و هابیون مبنی بر این که جمهوری اسلامی ایران یک نظام شیعی است نه یک حکومت اسلامی، سبب شده است اشرار محلی به راحتی در قالب مذهب علیه نیروهای دولتی عمل کنند (قالیبا، ۱۳۷۵: ۱۲۶).

۲-۲- بنیادهای اقتصادی جنوب خاوری ایران

- توسعه نامتوازن ملی و منطقه‌ای

شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی حاکی از آن است که ایران دارای ساختار فضایی مرکز- پیرامون هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است (Hafeznia, 2002: 186). برخی مطالعات انجام‌شده عدم تعادل و شکاف نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور را حتی بیش از ۱۰ برابر دانسته و اعلام می‌کنند که در توسعه کشور الگوی مرکز - پیرامون حاکمیت شدیدی دارد، به طوری که بیشتر شهرستان‌های عقب‌مانده در نواحی حاشیه‌ای و مرزی کشور واقع شده‌اند (kalantari, 1988: 193).

این عدم تعادل منطقه‌ای آثار و عواقب زیان‌بار فراوانی برای کشور به دنبال دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی- اجتماعی، ادامه روند مهاجرت، افزایش فرایند واگرایی و مرکز‌گریزی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، عدم بهبودی در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه بخش‌های وسیعی از جنوب شرق کشور (شهر زاهدان)، اشاره کرد (Ahmadypour & et al, 2007: 26). این عوامل به طور طبیعی زمینه‌ساز شکل‌گیری و فعالیت اشرار و گروهک‌های تروریستی می‌شود. در مجموع می‌توان گفت ناامنی و فعالیت‌های اشرار و گروهک‌های تروریستی در این منطقه تا حدودی ناشی از سطح پایین توسعه و پیامدهای ناشی از آن مانند فقر، احساس تبعیض، واگرایی از حکومت مرکزی، بی‌اعتمادی به سیاست‌های نظام، نارضایتی عموم و قاچاق است (Munson, 2003: 40-53).

توسعه ملی فرایند توسعه همه جانبه‌ای است که در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اکولوژیکی و ارتباطات متقابل آن‌ها را در برمی‌گیرد، به صورتی که هر کدام از ابعاد این فرایند در ارتباط مستمر دائمی با ابعاد دیگر قرار دارند و کنش و واکنش و اثرات تقابلی یکدیگر را کامل و

یک پیکره واحدی به نام توسعه ملی را پدید می‌آوردند. توسعه ملی باید بتواند کیفیت زندگی را به صورت نسبتاً هماهنگ و موزون در مناطق مختلف بهبود بخشد و از تمام ظرفیتهای منطقه‌ای و محلی اعم از امکانات طبیعی و نیروی فکری و انسانی استفاده کند (نظرپور، ۱۳۷۸: ۵۰). همچنین، توسعه ملی و امنیت ملی دارای ارتباطات دو سویه و متقابلی می‌باشند، از یک جهت توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و از جهت دیگر فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد. در همین راستا، توسعه نامتوازن فضاهاى جغرافیایی کشور به‌ویژه در مناطق مرزی جنوب‌خاوری کشور موجب گسست وحدت و همبستگی ملی شده و منجر به واکنش تحرکات واگرایانه در این مناطق می‌شود. این مسئله در صورت عدم توجه جدی، در بلند مدت تأثیر سویی بر قدرت ملی ایران برجای خواهد گذاشت و سالها زمان می‌برد تا اثرات مخرب مادی و معنوی آن از کشور زدوده شود. با توجه به اینکه عواملی نظیر سواد، سطح فرهنگی، رفاه اجتماعی، درآمد سرانه بالا، ثبات سیاسی، سطح علمی و تکنولوژی بالا، با توسعه‌یافتگی رابطه مستقیمی دارند و نقش این عوامل در میزان قدرت ملی زیاد است؛ بنابراین توسعه‌یافتگی کشور به‌ویژه مناطق مرزی که عوامل واگرایی و ناامنی قوی‌تر است، قدرت ملی را افزایش می‌دهد و افزایش قدرت ملی نیز منجر به افزایش وزن ژئوپلیتیکی می‌شود، افزایش وزن ژئوپلیتیکی بهبود موقعیت کشور در سیستم ژئوپلیتیکی را به دنبال دارد، بهبود موقعیت کشور در سیستم ژئوپلیتیکی موجب گسترش حوزه نفوذ جغرافیایی کشور شده و در نهایت موجب افزایش اثرگذاری کشور بر فرایندها، تصمیم‌سازی‌ها و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی، همسایگی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود. این مسئله به صورت تسلسل‌وار به افزایش مجدد قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک می‌کند (احمدی پور، ۱۳۸۶: ۱۱۰-۱۰۹)

- بنیادهای زیستی ضعیف

حیات انسانی و امکان زیست گروه‌های انسانی در فضاهاى جغرافیایی و قلمرو دولت‌ها و کشورها، مستلزم وجود زیر بنای آب و خاک و آب و هوای مساعد و نظایر آن است (Hafeznia, 2007: 92). در واقع بنیادهای زیستی در شکل‌گیری، گسترش، تکامل و بقای حیات اجتماعات انسانی تأثیر زیادی دارند (Hafeznia, 2007: 76-75). در مجموع ضعف شرایط زیستی در این منطقه موجب تراکم کم و پراکندگی زیاد جمعیت و همچنین مهاجرت به ویژه از مناطق روستایی به شهرها و سایر استانها شده است که با خشکسالی‌های پی‌درپی در چند سال

۱۵۴ فصلنامه امنیت ملی، سال ششم، شماره بیست و دوم، زمستان ۱۳۹۵ —————*

اخیر بر شدت آن افزوده شده است. این امر موجب شکل گرفتن فضاهای خالی از سکنه گسترده در این شهر شده است، این فضاهای خالی و گسترده بستر مناسبی را برای فعالیتهای ضد امنیتی از جمله قاچاق مواد مخدر، شرارت و... فراهم آورده است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

اقلیم گرم و خشک، کمبود زمینهای قابل کشت به دلیل ویژگی کوهستانی منطقه، ریزشهای جوی اندک و تبخیر بالا، نقاط پراکنده جمعیتی، دوری از مرکز سیاسی-اقتصادی کشور و نیز فاصله بعید از محورها و کانونهای بزرگ توسعه، مرزهای طولانی با دو کشور فقیر و صادرکننده فقر و تروریسم و جرم، پیوند و پیوستگی ناچیز فضاهای محدود فعالیت بلوچستان با سایر مناطق داخلی و کشورهای همسایه، فضای امنیتی حاکم بر این استان و منطقه، محرومیت شدید به ویژه در نقاط دورافتاده و مرزی نسبت به خدمات عمومی و به ویژه ضعف پایه‌ای مدیریت‌ها، بسترهای فقر تولید در بلوچستان را فراهم آورده است. تنگنای آبی همواره به عنوان بزرگ‌ترین مانع توسعه استان شناخته شده است. به‌رغم اینکه این استان ۱۱/۵ درصد وسعت و ۲/۸ درصد جمعیت کشور را در اختیار دارد، سطح زیر کشت محصولات دائمی و زراعی استان ۳۴۰۰۰ و ۱۵۴۰۰۰ هکتار برآورد شده است. (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۹-۸۶).

۳- بنیادهای طبیعی جنوب خاوری ایران

- توپوگرافی و وجود عوارض جغرافیایی گسترده

وجود عوارض جغرافیایی گسترده و توپوگرافی خشن قدرت مانور گروهکهای تروریستی و اشرار مسلح را در این منطقه افزایش داده؛ به طوری که شناسایی و تعقیب تروریست‌ها را در این منطقه بسیار دشوار کرده است. در واقع تروریستها و اشرار از این عوارض جغرافیایی برای اختفاء، استتار و فرار از چنگ نیروی انتظامی و اطلاعاتی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر گستردگی عوارض جغرافیایی و توپوگرافی خشن، امکان شناسایی تمام بسترهای و لایه‌های فضای جغرافیایی جنوب خاوری کشور را برای نیروهای حکومتی تقریباً مشکل ساخته است. در واقع جنوب خاوری کشور، از حیث ویژگی‌های فضای جغرافیایی (گسترده، تنوع و خشونت) مکان مناسبی برای فعالیت گروهک‌های تروریستی محسوب می‌گردد (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

- انزوای جغرافیایی

در شکل‌گیری مسائل امنیتی در شهرهای استان سیستان و بلوچستان، گسست‌هایی وجود دارد که یکی از آنها، گسست این منطقه به لحاظ اقلیمی و جغرافیایی با دیگر مناطق کشور است. گستره جغرافیایی و شرایط نامناسب طبیعی، افزون بر رفت‌وآمد آسان و زیاد این منطقه با کشورهای

همجوار که به دلیل نزدیکی به آن سوی مرز صورت می‌گیرد؛ مشکلاتی را برای عاملین تأمین امنیت در این مناطق ایجاد می‌کند. همچنین، این منطقه به واسطه تمایز مذهبی و فاصله جغرافیایی نسبت به مرکز، از نواحی ای می‌باشد که زمینه‌های امنیت ملی و ناحیه‌ای کشور را آسیب‌پذیر می‌سازد (کوساری و وحیدری، ۱۳۸۸: ۱۰۳)؛ بنابراین رابطه حاشیه‌ای بودن با پدیده ناامنی در مرزها رابطه‌ی معنی‌دار است و مناطق دور از مرکز جولانگاه قاچاقچیان و فراریان از قانون می‌تواند باشد. به طوری که منطقه جنوب خاوری، سرزمین فقر، عقب‌ماندگی، قاچاق مواد مخدر، گرما و کم‌آبی شناخته می‌شود (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

بعد بزرگ مسافت میان بلوچستان با سایر نواحی کشور، وجود دشت‌های لوت و کویر نمک که یک چهارم مساحت کشور را تشکیل می‌دهند و میان بلوچستان و استان‌های شمالی و مرکزی فاصله انداخته است و اندک بودن سکونت‌گاه‌های شهری - روستایی میان استان سیستان و بلوچستان و استانهای همجوار، زمینه انزوای جغرافیایی بلوچ‌های ایران را فراهم آورده است. در حالی که زاهدان میان ۳۰ مرکز استان، بیشترین فاصله را با مرکز سیاسی (۱۶۰۵ کیلومتر) کشور دارد، چابهار و کنارک نیز دورترین شهرستان‌های کشور به تهران هستند این در حالی است که متوسط فاصله سکونتگاه‌ها در استان ۶۱ کیلومتر است که بیش از سه برابر متوسط ملی است. در واقع بلوچ‌ها حتی در بلوچستان نیز انزوای جغرافیایی را لمس می‌کنند (کریمی‌پور، ۱۳۸۹: ۸۵).

۴- دولت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای

مداخله خارجی در بلوچستان اساساً از رویدادهای پاکستان و افغانستان و نیز ماهیت روابط میان ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و پیرامون آن سرچشمه می‌گیرد. نمونه‌ای از تأثیر درگیری‌های منطقه‌ای در طرح مسئله قومیت را در بلوچستان ایران می‌توان در روابط ایران و عراق پس از روی کار آمدن حزب بعث در سال ۱۹۶۸ جستجو کرد.

معمولاً حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای در یک منطقه با توجه به شرایط حساس آن منطقه زمینه‌ساز ناامنی خواهد بود. همکاری این قدرتها با برخی از کشورهای منطقه و خصومت با برخی دیگر زمینه تضاد و ناامنی را فراهم می‌سازد. برای مثال، حضور نظامی آمریکا در افغانستان و پاکستان و پیامدهای ناخوشایند این حضور برای کشورهای این منطقه، ناامنی و بی‌ثباتی را به ارمغان آورده است. گسترش یا کاهش روابط این کشورها با ایالات متحده آمریکا برای ایران تأثیر مستقیم داشته و می‌تواند اثرات جدی بر امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران به‌ویژه در جنوب خاوری کشورمان

داشته باشد و ایران را در محاصره کامل آمریکا از طرف مرزهای جنوب‌خاوری و خاوری قرار دهد. از طرفی هم کاهش روابط پاکستان با آمریکا ضمن آنکه مشکلات اقتصادی برای پاکستان در پی خواهد داشت؛ زمینه گسترش فرقه‌گرایی و تحریک گروه‌های داخلی پاکستان نیز خواهد بود که در این صورت نیز به نفع امنیت ملی ایران نخواهد بود (پورخسروانی، ۱۳۸۸). همچنین به نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا سیاست خصمانه چند بعدی را برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران در ساختار امنیتی منطقه دنبال می‌کند که تنش‌سازی فرقه‌ای، گسترش ایران‌هراسی و بهره‌برداری ابزاری از سازمان‌های تروریستی منطقه‌ای برخی مصادیق آن هستند. در این راستا افزایش بی‌ثباتی امنیتی برای دفاع موزاییکی در برابر گروهک‌های تروریستی فرقه‌ای، رشد نامناسب زیرساخت‌های امنیت مرزی متناسب با حجم تهدیدهای برون‌سیستمی و سیاست اجرایی دولت‌مردان آمریکا برای حضور نظامی بلند مدت در افغانستان باعث شده فضا برای تحرک گروه‌های تروریستی فراهم شود. آمریکا با حضور خود در منطقه همواره زمینه‌های ناامنی و بی‌ثباتی منطقه‌ای را فراهم کرده تا حضور بلند مدت خود را توجیه و تثبیت نماید. هر چند حضور آمریکا و کشورهای غربی در منطقه به بهانه مبارزه با مواد مخدر و تروریسم در افغانستان است، اما ما نه تنها شاهد آثار مثبتی از این مبارزه نیستیم بلکه دست‌های پنهان آن‌ها را در حمایت از گروه‌های تروریستی که به ایجاد تفرقه و اختلاف بین شیعه و سنی، فارس و بلوچ می‌پردازند، شاهد می‌باشیم. بدیهی است که مخالفان با آنالیز شرایط کنونی به این باور رسیده‌اند که مهم‌ترین ضربه‌ای که آنان از سوی ایران تاکنون متحمل شده‌اند، یکپارچگی ایرانیان به‌ویژه سنی و شیعه است (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰).

استقرار در خط مقدم مسیر ترانزیت مواد مخدر از افغانستان به اروپا

منطقه جنوب شرق ایران و استان سیستان و بلوچستان از یک موقعیت خاص ترانزیت مواد مخدر برخوردار است. همسایگی و مجاورت با کانون اصلی و تقریباً مطلق کشت تریاک در جهان، قرار گرفتن در یکی از گذرگاه‌های اصلی عبور و ترانزیت مواد مخدر به اروپا، پیوند مبارزه مسلحانه و قاچاق مواد مخدر و اثر مضاعف آن بر منطقه به‌ویژه حاشیه مرزهای بین‌المللی از جمله مواردی است که به موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه شکل می‌بخشد و نیروهای گوناگون و متنوع رسمی و غیررسمی را وارد کارزار می‌کند. مواد مخدر از کشور پاکستان از قسمت بلوچستان و در مرز افغانستان به علت نزدیکی به بازارهای مصرف از طریق استان آلفردمک کوی های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی وارد میشوند. از نظر در افغانستان، اراضی مرزی پاکستان و افغانستان به بزرگ‌ترین تولید «سیا» در دو سال تاخت و تاز عملیاتی کننده تریاک جهان تبدیل

شد (بدیعی، ۱۳۹۲: ۱۱) بنابر آمار سازمان ملل، تریاک افغانستان ۱۸ درصد حجم تولید تریاک جهان را تشکیل می‌دهد که از جمله ۱۶ درصد آن در مناطق همجوار با سرحد پاکستان به هروئین تبدیل می‌شود و ۵۶ درصد مقدار یادشده در ولایت هلمند تولید می‌گردد (نجات، ۲۸: ۱۳۸۶) درآمد سالانه تجارت مواد مخدر هلال طلایی بین ۶۶ میلیارد دلار نمایانگر تقریباً یک سوم فروش سالانه مواد مخدر در سراسر جهان می‌باشد که طبق برآورد سازمان ملل حدود ۵۶۶ میلیارد دلار است (همان: ۲۹) شهرهای مرزی جنوب شرق ایران بدلیل موقعیت جغرافیایی در مسیر مبداء و مقصد مواد مخدر از افغانستان به اروپا قرار گرفته اند.

استقرار در محل برخورد عقاید ایدئولوژیکی و ارزشی متضاد

ایران، افغانستان و پاکستان به‌رغم اینکه ظاهراً دارای دین مشترک-اسلام هستند، اما در پذیرش برخی از هنجارها، قواعد، هویت‌ها و نهادها و باورها اختلاف دارند. این امر منجر به گسترش تعارضات و ناهماهنگی در برقراری روابط دوستانه و نیز امنیت می‌شود. وجود عوامل متعدد ژئوپلیتیک قومی-مذهبی ناشی از موقعیت خاص جنوب شرق ایران در مجاورت افغانستان و پاکستان، زمینه‌های لازم برای ایجاد ناامنی در این منطقه را تداوم می‌بخشد. به عنوان مثال تعارض و عدم تفاهم ارزشی میان دولت‌ها بر مبنای توسعه جامعه بین‌المللی نیز از عوامل اصلی تشدید ناامنی و عدم هماهنگی و تعامل میان دولتهای ایران و افغانستان بود که در دوره حکومت طالبان (۱۳۷۴-۱۳۸۰) ناامنی و شرارت را در منطقه افزایش داد؛ مانند تردد گروه‌های مسلح مخالف دولت ایران میان سه کشور در جدار مرزی و پیامدهای تروریسم بنیادگرای شبه قاره در شرق و جنوب شرقی ایران (کریمی پورو محمدی، ۱۳۸۸: ۱۳۱-۱۳۲) همچنین توسعه ناامنی با ماهیت سیاسی واجتماعی به داخل ایران در سال های ۱۳۷۶-۱۳۷۹ در زمان تیرگی روابط ایران با طالبان صورت گرفت که با بمب‌گذاری، گروگان‌گیری و زورگیری در شهرهای ایران همراه بود.

پراکندگی‌های قومی و مذهبی دردو سوی مرزهای جنوب شرق

جنوب شرق ایران به لحاظ انسانی به گونه ای است که آن را در معرض عناصر مشترک قومی مذهبی دو طرف مرز قرار می‌دهد. از ویژگی‌های مهم جمعیت قومی در افغانستان که در بحران و جنگ در این کشور مؤثر بوده و در پیوند آن با امنیت کشورهای همجوار تأثیر گذار است، موضوع پراکندگی‌های قومی و گسترش قومیت‌های همسایه به داخل افغانستان است. به عنوان مثال

فارسی‌زبان‌های هرات، ایرانی‌الصل‌اند و بلوچها نیز با تیره‌های از بلوچ‌های ایران در استان سیستان و بلوچستان قرابت دارند. بنابراین به‌نوبه خود، افغانی‌ها، فارس‌زبانها، بلوچها و پشتون‌ها در افغانستان در امنیت ملی ایران تأثیرگذار هستند. به بیان دیگر، همان‌گونه که ایران می‌تواند بر فرایندهای اجتماعی و سیاسی افغانستان تأثیر بجای گذارد. ناپایداری سیاسی، امنیتی و ساختاری در این کشور نیز در زمره‌ی عوامل تأثیرگذار در محیط داخلی افغانستان محسوب می‌شود (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۱۷۴). این واقعیت‌ها و شرایط اجتماعی-اقتصادی ناگوار، در ایدئولوژی‌های مذهبی، حقوقی و سیاسی بازتولید و تشدید می‌شوند و پیامدهای ژئوپلیتیکی بر جای می‌نهند. گاه رقابت‌ها و رویارویی‌های مذهبی در مناطق مرزی منجر به بروز ناامنی‌های اجتماعی می‌شود که با حضور گروه‌های مسلح اشرا و قاچاقچیان مواد مخدر که تقریباً همه آنها افغانی بوده و با عبور از مرزها به شرق و جنوب شرق کشور وارد می‌شوند و اقدام به اعمالی مانند آدم‌ربایی، تجاوز، قتل، تهدید، باج‌گیری، ترور، قاچاق مواد مخدر و ارباب در شهرهای ایران می‌کنند، تعریف می‌شود. شهرهای شرق و جنوب شرق ایران با نزدیکی به مرزهای ملی و قومی هرگز در امنیت کامل نبوده و ناامنی و تهدید به‌طور آشکار و پنهان از ویژگی‌ها ثابت آنها بوده است. در این مناطق حتی زوال و فروکش کردن حملات و هجمه‌های گروهی و قومی به شهرها و روستاها، به معنای ثبات و برقراری امنیت کامل نیست زیرا ممکن است افراد در خانه یا مزرعه و درکوه و بیابان مورد تعرض و ربایش فرد یا افراد قرار گیرند (ابراهیم بای سلامی، ۱۳۸۵: ۷۷). وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی در ایران نسبت به افغانستان و پاکستان و ناتوانی دولت‌ها در کنترل مرزها موجب تحرکات غیرقانونی از جمله قاچاق کالا و کنشهای بزهکارانه و بحران‌ها شده است. به عنوان مثال، در فاصله سالهای ۸۱ تا ۸۶ در مرزهای شرقی ایران، پدیده ناامنی اجتماعی به شکل قتل، تجاوز، آدم‌ربایی و باج‌گیری به وقوع پیوست و اشرا مسلح در بیش از ۱۶ درصد از مساحت استانهای خراسان و بخش‌های وسیعی از استان سیستان و بلوچستان امنیت و آرامش را از مردم بویژه در مناطق شهری و روستایی سلب کردند (همان ۱۸). این نکته مهم است که در نوار مرزی طولانی شرقی، از جنوب جلگه سرخس تا گواتر، اگر جمعیتی مستقر باشد، غالباً ایرانیان حنفی‌اند؛ اما مشکل اصلی این مرز طولانی، تراکم نسبی بسیار پائین جمعیتی است. از شمال سراوان و جنوب جالق تادره شیپلر و از هامون صابری تا انتهای دشت نا امید، ناحیه مرزی تقریباً خالی از جمعیت است. این منطقه رامی‌توان نوار خالی مرزی نامید (کریمی پور و محمدی، ۱۳۸۸: ۶۵-۶۴).

۵- تجزیه و تحلیل

گروه‌های تروریستی در مکان و فضای جغرافیایی، استراتژی‌های خشونت‌آمیز خود را اعمال می‌کنند. ویژگی‌های جغرافیایی مجموعه عواملی محسوب می‌شوند که برخی مواقع موافق خواسته‌های تروریست‌ها اعم از فردی یا گروهی عمل می‌کند، به این معنا که می‌تواند تولید کننده قدرت یا تضمین‌کننده بقای تروریست‌ها برای انجام فعالیت‌های تروریستی باشد. با برخی مواقع عوامل جغرافیایی در جهت عکس خواسته‌های تروریست‌ها عمل می‌کند. از این رو شاید بتوان گفت که هر چند بروز ترور ممکن است تحت تأثیر عوامل ایدئولوژیک و حتی سیاسی اتفاق افتد، اما از سویی پدیده ترور می‌تواند منشأ جغرافیایی نیز داشته باشد و این موضوع ریشه در تلقی افراد، گروه‌ها و دولت‌های متشکل سیاسی - فضایی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی دارد.

مهم‌ترین شاخص‌های جغرافیایی که می‌توان بر فعالیت گروه‌های تروریستی اثر مثبت یا منفی داشته باشد، عبارتند از: عوامل جغرافیای طبیعی که از اختصاصات نظام طبیعت است، همچون آب‌وهوا، موقعیت جغرافیایی، توپوگرافی و عوامل جغرافیای انسانی تأثیرگذار در فعالیت‌های گروه‌های تروریستی که متناسب به عملکرد انسانی بوده و ناشی از کارکردهای فردی و جمعی است و در مکان و فضا قابل مشاهده است، مانند جمعیت، اقلیت‌های قومی و مذهبی و حفره‌های دولت.

با توجه به اینکه برخی بنیان‌های فرهنگی از قبیل سطح سواد، سطح فرهنگی، رفاه اجتماعی، درآمد سرانه بالا، ثبات سیاسی، سطح علمی و تکنولوژی بالا، با توسعه‌یافتگی رابطه مستقیمی دارند و نقش این عوامل در میزان قدرت ملی زیاد است؛ بنابراین توسعه‌یافتگی کشور به‌ویژه مناطق مرزی که عوامل واگرایی و نامانی قوی‌تر است، قدرت ملی را افزایش می‌دهد و افزایش قدرت ملی نیز منجر به افزایش وزن ژئوپلیتیکی می‌شود، افزایش وزن ژئوپلیتیکی بهبود موقعیت کشور در سیستم ژئوپلیتیکی را به دنبال دارد، بهبود موقعیت کشور در سیستم ژئوپلیتیکی موجب گسترش حوزه نفوذ جغرافیایی کشور شده و در نهایت موجب افزایش اثرگذاری کشور بر فرایندها، تصمیم‌سازی‌ها و رفتارها در مقیاس‌های مختلف محلی، همسایگی، منطقه‌ای و جهانی می‌شود. این مسئله به صورت تسلسل‌وار به افزایش مجدد قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک می‌کند بلوچ‌ها نسبت به سایر گروه‌های قومی ایران دارای زمینه‌های پرشماری برای واگرایی هستند. در

مجموع می‌توان گفت بلوچ‌های ایرانی نسبت به سایر اقوام ایرانی در تحولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایران نقش کمتری داشته‌اند. در شکل‌گیری مسائل امنیتی در شهرهای استان سیستان و بلوچستان، گسست‌هایی وجود دارد که یکی از آن‌ها، گسست این منطقه به لحاظ اقلیمی و جغرافیایی با دیگر مناطق کشور است. گستره جغرافیایی و شرایط نامناسب طبیعی، افزون بر رفت‌وآمد آسان و زیاد این منطقه با کشورهای همجوار که به دلیل نزدیکی به آن سوی مرز صورت می‌گیرد؛ مشکلاتی را برای عاملین تأمین امنیت در این مناطق ایجاد می‌کند. همچنین، این منطقه به واسطه تمایز مذهبی و فاصله جغرافیایی نسبت به مرکز، از نواحی ای می‌باشد که زمینه‌های امنیتی ملی و ناحیه‌ای کشور را آسیب‌پذیر می‌سازد؛ بنابراین رابطه حاشیه‌ای بودن با پدیده ناامنی در مرزها رابطه‌ی معنی‌دار است و مناطق دور از مرکز جولانگاه قاچاقچیان و فراریان از قانون می‌تواند باشد. به طوری که منطقه جنوب خاوری، سرزمین فقر، عقب‌ماندگی، قاچاق مواد مخدر، گرما و کم‌آبی شناخته می‌شود.

در حوزه علت شناسی تروریسم - در سطح فردی - فقر و محرومیت اقتصادی یکی از عوامل اصلی گرایش افراد به تروریسم و شکل‌گیری مخالفت‌های سیاسی است. در ارتباط با این معیار استان سیستان و بلوچستان یکی از کم برخوردارترین استان‌های کشور است. در واقع رابطه‌ای دو سویه و متقابل بین توسعه ملی و امنیت ملی برقرار است، به گونه‌ای که از یک جهت توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و از جهت دیگر فراهم آمدن امنیت ملی، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد. در همین راستا، توسعه نامتوازن فضاهای جغرافیایی کشور به‌ویژه در مناطق مرزی جنوب‌خاوری کشور موجب گسست وحدت و همبستگی ملی شده و منجر به واکنش تحرکات و اگراییانه در این مناطق می‌شود. در واقع ضعف بنیادهای زیستی در شهرهای جنوب خاوری ایران با متغیرهای واسطه‌ای تراکم پایین، پراکندگی زیاد جمعیت و وجود فضاهای خالی گسترده زمینه‌ساز فعالیت‌های ضد امنیتی گروهک‌های تروریستی شده است.

ولی عامل اصلی بروز رخداد‌های تروریستی در منطقه جنوب خاوری ایران دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در این ناحیه است. در واقع حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای در یک منطقه با توجه به شرایط حساس آن منطقه زمینه‌ساز ناامنی خواهد بود. همکاری این قدرتها با برخی از کشورهای منطقه و خصومت با برخی دیگر زمینه تضاد و ناامنی را فراهم می‌سازد. در ارتباط با بلوچستان دخالت‌های عربستان و رژیم صهیونیستی به عنوان قدرت‌های منطقه‌ای و ایالات متحده

آمریکا به عنوان قدرت فرا منطقه‌ای مشهود است. این قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای برای نیل به اهداف خود از دخالت در این منطقه از تفاوت‌های فرهنگی این منطقه با مرکز (مذهب و زبان و بافت اجتماعی و ...)، عدم توازن توسعه ملی و منطقه‌ای و شرایط و موقعیت جغرافیایی این منطقه از جمله توپوگرافی و انزوای جغرافیایی آن بهره می‌برند. به طور کلی عوامل ایجاد ناامنی در شهرهای جنوب خاوری ایران را می‌توان در نمودار شماره ۱ مشاهده کرد.

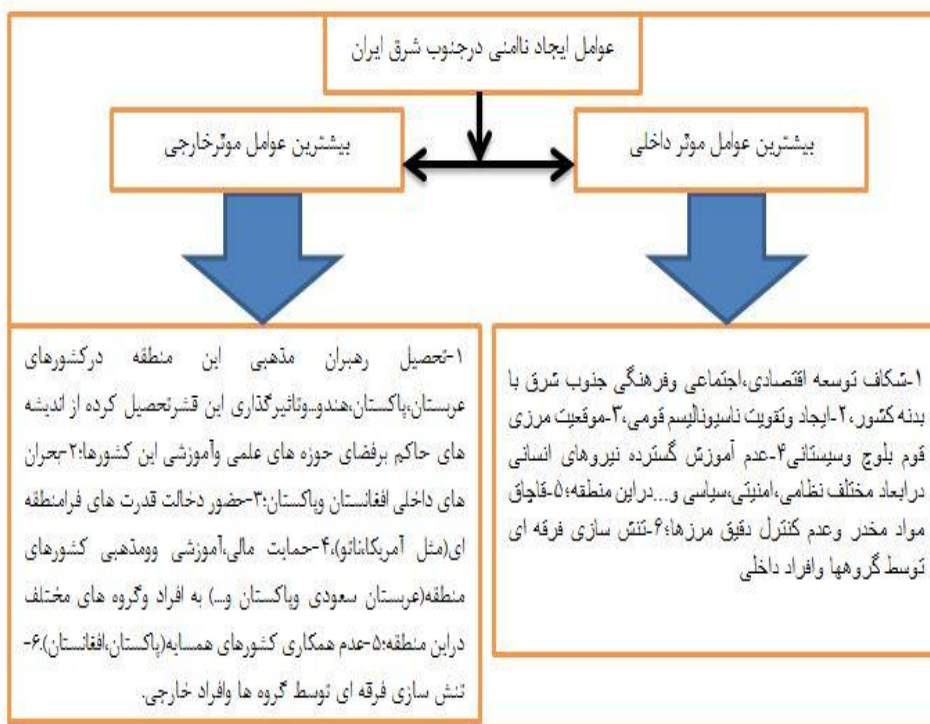
نتیجه‌گیری

هیچ یک از نواحی حاشیه‌ای و مرکزی ایران، نسبت به هسته‌ی تشکیل‌دهنده‌ی دولت به‌اندازه‌ی بلوچستان شاخص‌های واگرا و مرکزگرای ندارند. در واقع بلوچ‌ها نتوانسته‌اند در سده‌ی گذشته در تحولات بزرگ جامعه ایران نقشی درخور ایفا نمایند. در واقع از مهم‌ترین بسترهای محیطی، محلی، منطقه‌ای و ملی بروز پدیده تروریسم در منطقه جنوب خاوری ایران می‌توان به «ضعف توانهای محیطی منطقه بلوچستان، دوری از مرکز، قرار نداشتن در مسیر راه‌های ارتباطی اصلی شمال- جنوب کشور، همسایگی با نواحی فقیرنشین دو کشور فقیر افغانستان و پاکستان، پایین بودن ضریب امنیتی، طایفه محوری، نا برخورداری از توزیع فرصت‌ها در گستره ملی» نام برد. به علت ضعیف بودن بنیادهای شهرهای بلوچستان از جمله زاهدان در جذب و به‌کارگیری نیروی جوان و بیکار و وجود زمینه‌های اشتغال پنهان، بسیاری از افراد به پدیده قاچاق روی آورده‌اند. این مسأله باعث ناامنی و تروریسم در شهرهای بلوچستان می‌شود.

در واقع بنیادهای فرهنگی از قبیل مذهب و زبان و بافت اجتماعی متفاوت با مرکز کشور؛ بنیادهای اقتصادی از قبیل توسعه نامتوازن منطقه‌ای و ملی و بنیادهای زیستی ضعیف این منطقه؛ بنیادهای طبیعی از قبیل توپوگرافی و وجود عوارض جغرافیایی گسترده و انزوای جغرافیایی در کنار دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای عامل اصلی بروز پدیده تروریسم در شهرهای جنوب خاوری ایران است. در واقع دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای (آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی) و منافع آن‌ها با دست‌آویز قرار دادن بنیادهای فرهنگی (مذهب)، موقعیت جغرافیایی و بنیادهای اقتصادی منطقه بلوچ‌نشین عامل اصلی بروز اعمال تروریستی در جنوب خاوری ایران است. در واقع ایالات متحده آمریکا سیاست خصمانه چند بُعدی را برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران در ساختار امنیتی منطقه دنبال می‌کند که تنش‌ساز فرقه‌ای، گسترش ایران‌هراسی و

۱۶۲ فصلنامه امنیت ملی، سال ششم، شماره بیست و دوم، زمستان ۱۳۹۵ ←
 بهره‌برداری ابزاری از سازمان‌های تروریستی منطقه‌ای برخی مصادیق آن هستند.

نمودار شماره ۱: عوامل ایجاد ناامنی در شهرهای جنوب‌خاوری ایران



پیشنهادات

برای تضعیف بسترهای ایجاد و گسترش پدیده شوم تروریسم در جنوب خاوری ایران پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:

- تقویت بنیان‌های اقتصادی این منطقه و تلاش برای توسعه اقتصادی. برای این منظور توجه به مزیت‌های نسبی این استان در کنار مزیت‌های ترانزیتی جنوب‌خاوری کشور و عملیاتی کردن طرح محور شرق می‌تواند بسیار کارساز باشد.

- توجه به بنیادهای فرهنگی منطقه جنوب خاوری و تأکید بر مشترکات فرهنگی این منطقه با مرکز کشور و اکثریت ایرانی‌ها.

جلوگیری از متروکه شدن روستاها به‌ویژه در نواحی مرزی: در این راستا برای تداوم حیات

سکونتگاه‌ها استان و گسترش آنها باید اقدام به رفع موانع اصلی طبیعی و ایجاد شرایط و علت وجودی جدید برای سکونتگاه‌ها کرد. استفاده از ظرفیت‌های معدنی و ترانزیتی این استان و علمی کردن کشاورزی و استفاده بهینه از آب میتواند در این راستا مورد توجه قرار گیرد.

جمعیت پذیر کردن مناطق مرزی: میتوان برای افزایش ظرفیت امنیتی شهری در استانهای شرقی کشور- مناطق مسکونی نزدیک مرز را تقویت و اقدام به مکان‌یابی سکونتگاه‌ها جدید در مناطق کم جمعیت آن کرد. این مسأله میتواند فضاهاى خالی از سکنه و بی‌دفاع را از قلمرو فعالیت اشراق و قاچاقچیان خارج سازد و بستر ساز تأمین امنیت شهری پایدار در این استان شود.

منابع و مآخذ

- آقا بخشی، علی (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی، تهران؛ نشر چاپار
- ابراهیم بای سلامی، غلامحیدر (۱۳۸۵) موقعیت ژئوپلیتیک و ناامنی اجتماعی ((مورد: شهرستان‌های خواف ورشتخوار در جنوب شرق ایران))، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۳ و ۴، پائیز و زمستان.
- احمدی، حمید (۱۳۷۸)، «قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه یا واقعیت؟»، تهران: نشر نی.
- احمدی پور، زهرا وهمکاران (۱۳۸۶): بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی-اداری کشور؛ مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه اول تا سوم توسعه (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول، بهار
- احمدی پور، زهرا و حیدری موصولو و طهمورث، میرجلالی، اکبر (۱۳۹۰): تبیین عوامل ناامنی در جنوب شرق ایران، تهران: فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی
- افضل‌ی رسول؛ انصاری زاده، سلمان و پویان، داوود (۱۳۹۰)، ژئوتروریسم: رویکردی جغرافیایی به تروریسم، مدرس علوم انسانی - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره پانزدهم، شماره ۱، ۱۲۳-۱۰۵
- اسمیت، آنتونی (۱۳۷۷)، «منابع قومی ناسیونالیسم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش-شماره ۱، ترجمه: واحد ترجمه فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.
- افتخاری. اصغر (۱۳۷۸)، «ظرفیت طبیعی امنیت (مورد مطالعاتی: قومیت و خشونت در ایران)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵ و ۶، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.
- برتون، رولان (۱۳۸۰)، «قوم‌شناسی سیاسی»، ترجمه: ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- برادن ک، شلی ف (۱۳۸۳)؛ ژئوپلیتیک فراگیر؛ ترجمه علیرضا فرشچی و حمید رضا رهنما، انتشارات ستاد دوره عالی جنگ.
- بدیعی، مرجان (۱۳۹۲) تأثیرگذاری جغرافیای خراسان جنوبی بر امنیت محلی آن، همایش ملی خراسان جنوبی نظم و امنیت، دانشگاه بیرجند، اردیبهشت ماه.

- پورخسروانی، انیس (۱۳۸۸)؛ همکاری ایران و پاکستان در عرصه امنیت انسانی: موانع راهکارها، از:

<http://www.birjand.ac.ir>

- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: انتشارات سمت.
- حاجبانی، ابراهیم. ضمیر، عبدالحسین (۱۳۸۹). *پژوهش ها و مطالعات تروریسم*. تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- حیدری، محمد (۱۳۸۱)، «بررسی تحولات ژئوپلیتیکی دهه پایانی قرن بیستم و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. (۲۰۰۱-۱۹۹۱)»، پایان نامه دکتری، تهران: دانشکده علوم و فنون فارابی
- رایش و. (۱۳۸۱)، *ریشه های تروریسم*؛ ترجمه سید حسین محمدی نجم؛ چاپ اول، تهران، انتشارات دوره عالی جنگ
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹). *زایش و خیزش ملت*، تهران: انتشارات ققنوس
- سیمبر، رضا (۱۳۸۸). *تروریسم در نظام بین الملل*. رشت: انتشارات دانشگاه آزاد واحد اسلامی رشت
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۵)، «مدیریت منازعات قومی در ایران»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام
- طیب، علیرضا (۱۳۸۲). *تروریسم، تاریخ، جامعه شناسی، گفتمان، حقوق*. تهران: نشر نی
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۶). *تروریسم شناسی*. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین الملل ابرار معاصر تهران.
- فلمینگ و (۱۳۸۵)؛ *سایبر تروریسم: پندارها و واقعیت ها*، ترجمه: ا. بقایی، تهران، نشر نی.
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۷۵)، *بررسی نقش عناصر جغرافیایی در امنیت سیستان بلوچستان*، پایان نامه کارشناسی جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران
- لقمان صادقی، (۱۳۹۲)؛ *امنیت شهری در کانون توجه*، فصلنامه دانش انتظامی کردستان-سال چهارم-شماره چهاردهم
- کوساری، اسد وحیدری، محمد (۱۳۸۸)؛ *بررسی نقش قوم بلوچ در امنیت مرزهای*

- جنوب شرق ایران «فصلنامه اندیشه انتظامی و مرز، سال چهارم، شماره اول، بهار کشاورز، بهمن (۱۳۸۵). فرهنگ حقوقی انگلیسی به فارسی. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- کریمی پور، یدالله، حمیدرضا محمدی (۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک ناحیه گرایم و تقسیمات کشوری، انتخاب، تهران
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، جهانی شدن فرهنگ و هویت، تهران: نشرنی.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، «چهره متغیر امنیت ملی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- محسنی، رضاعلی (۱۳۹۰). بازشناسی و تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۱۲
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰)؛ تحولات قومی در ایران؛ علل ها و زمینه ها، تهران: موسسه مطالعات ملی
- مقصودی، مجتبی و حیدری، شقایق (۱۳۸۸). «دگرگونی مفهوم تروریسم، بررسی مورد تروریسم در هند»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هفتم و هشتم، شماره ۲۵۹-۲۶۰.
- مقدس جعفری، حسن و دیگران (۱۳۸۷)، «رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد (مطالعه موردی: دانشگاه پیام نور سقز)»، فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۳۳، تهران: مطالعات ملی.
- مک لارن، آر. دی (۱۳۷۹)، «مدیریت امنیت ملی، تجربه آمریکا و درسهایی برای دول جهان سوم»، مجموعه مقالات امنیت ملی در جهان سوم، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مک لین، ایان (۱۳۸۱)، «فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد»، ترجمه: حمید احمدی، تهران: میزان
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، «درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه: دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- نظریور، محمد تقی (۱۳۷۸)، ارزش ها و توسعه، تهران: انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی
- نجات، عبدالله (۱۳۸۶)، اصلاحات و سرکشی هادرمناطق قبایلی؛ فصلنامه مطالعات استراتژیک، شماره ۱۳ و ۱۴، پاییز

منابع انگلیسی:

- Ahmadypour.zahra et al(2007);study of The pace of Development of political- Administrative spaces in iran case study:irans provinces in 1st to 3rd Development plans(1989-2004)geopolitics Quarterly,vol.3,No.7,Tehran
- Bozorgmehri,majid(2008);United Nations Definition of Terrorism and A look at Various views of Authoritites and Documentation on Terrorism, Quarterly journal of political studies.
- crenshaw,Martha(1981),the causes of terrorism comparative politics journal,the city university of new York vol.
- -Denning,D.E.(2000).Activism,and Cyber Terrorism:The internet as tool for influencing Foreign policy,[http//www.nautilus.org](http://www.nautilus.org)
- . Hafeznia, Mohammadreza(2007); National Power And Interests (Sources, Concepts & Measurement Methods), Entekhab Publication, Tehran[in Persian].
- Munson,Henry,(2003),Islam,Nationalism and Resentment of Foreign Domination,Middle east policy,vol.10,No.2,p40-53
- Ullman,Richard(1983),Redefining security,international security,vol.7,No1.(summer)-
- Muller E. R R.F.J (2003);” Spay and A.G.W. Ruitenbery, Trends in terrorism ; Alphn aan den Rijin:Kulwer
- Pearlestein Richard M.(1991);” The mind of political terrorist”; in Kindle Edition.
- Kegley,Charles.w(1990);International Terrorism:Characteristics,causes,Conttrolls,publisher:palgrave Macmillan.
- Kushner,H.W.(2003);Encyclopedia of Terrorism.sage publication.
- Kalantari, Khalil (1998); Identification of Retarded Areas in Iran, Geographical Research Quarterly, No. 48, Isfahan, [in Persian].
- Segre,D.V.and J.H.Adler,(1973);The Ecology of Terror,journal of survival:Global politics and strategv.
- Tucker D.(1997);” Skirmished at the edge of empire: the united and international terrorism, Praeger.